

وظیفه ما این بود که نقشه چالش‌ها و ریشه‌های مشکلات کشور را طراحی کنیم. پس از مطالعات گسترده، به این نتیجه رسیدیم که مادر ناترازی های ایران، ناترازی انرژی است. امروز بخشی از این ناترازی را در قالب قطعی‌ها، محدودیت‌ها و دغدغه‌های روزمره می‌بینیم، اما ابعاد بسیار وسیع‌تری پشت آن وجود دارد. این ناترازی ما را وارد چرخه‌ای کرده که یک سوی آن تورم است و سوی دیگر افزایش نرخ ارز؛ چرخه‌ای که بارها تکرار شده است. در سال‌های گذشته تصور می‌کردیم می‌توانیم با ثابت نگه داشتن قیمت چند کالای کلیدی جلوی تورم را بگیریم؛ اما تجربه نشان داد این سیاست نه‌تنها تورم را مهار نکرد بلکه خودبخشی از مشکل شد. «اوتاکید کرد: «گزارش‌های وضعیت در کشور نشان می‌دهد که هر دولتی که سر کار می‌آید، با وجود زحمات فراوان، عملکرد خود را ارائه می‌کند؛ اما وضعیت بهتر نمی‌شود. دلیلش این است که سیاست‌هایی که این چرخه شوم را ایجاد کرده‌اند، ایراد اساسی دارند. تا زمانی که تصمیم نگیریم یک بار برای همیشه از معول‌ها فاصله بگیریم و علت‌های ریشه‌ای را حل کنیم، این داستان ادامه دارد. بازی با قیمت انرژی هم جزو همین معول‌هاست. هر کس قطعی گوید «قیمت باید بالا برود»، باز هم در همان چرخه معول گرای باقی مانده است. ما حتی فهم فاصله گرفتن از معول‌ها را پیدا نکرده‌ایم؛ و تا این فهم نباشد وبه ریشه‌ها نرسیم، هر چقدر سازمان جدید ایجاد کنیم، محکوم به شکست است. نباید خوشحال باشیم که سازمان تازه‌ای تأسیس شده؛ زمانی باید خوشحال باشیم که نشانه‌هایی از تغییر سیاست‌ها و فاصله گرفتن از تصمیمات غلط گذشته دیده شود.» رئیس سازمان سیاست‌گذاری و مدیریت راهبردی انرژی گفت: «اگر دیدیم به تعبیر رهبر معظم «مشهورات غلطی» را که سال‌ها دنبال‌شان بودیم، امروز فیمیده‌ایم اشتباه بوده و نمی‌خواهیم تکرارشان کنیم، آن وقت جای خوشحالی دارد. یک زمان فکر کردیم اگر قیمت گازونیل را پایین نگه داریم، می‌توانیم ترانزیت منطقه را در اختیار بگیریم؛ یا تصور کردیم اگر خودمان کامیون تولید کنیم، ترانزیت را مدیریت خواهیم کرد. اما تولیدکننده کامیون از یارانه گاز بهره‌مند می‌شود و از مالیات معاف می‌گردد؛ پس این سیاست‌ها غلط بوده است. ما فکر کردیم اگر سوخت ارزان باشد، کامیون‌ها از جاده‌های ما عبور می‌کنند؛ در حالی که مشکل اصلی بهره‌وری کم‌رکات است، نه قیمت سوخت.»

▼ دولت باید سیاست‌گذار باشد

سقاب اصفهانی با بیان اینکه «این تصور که بدون داشتن «قطار کامل» می‌توانیم حمل‌ونقل را اصلاح کنیم، اشتباه است»، تأکید کرد: هنوز برخی باور دارند که «کشنده» محور حکمرانی است؛ درحالی‌که در بسیاری از کشورها، دولت فقط ریل را نگه می‌دارد و کشنده و واگن را به بخش خصوصی می‌سپارد. اگر ما هم اجازه دهیم بخش خصوصی قطار کامل راه‌اندازی کند، بخش بزرگی از حمل‌ونقل جاده‌ای و مصرف گازونیل کاهش می‌یابد و بنادر خشک توسعه پیدا می‌کنند. اصلاً توسعه نیروگاه، اضافه کردن واگن یا خرید کشنده، کار دولت نیست. کار دولت این نیست که کامیون جمع کند و کامیون نبو‌دهد. این‌ها کار بخش خصوصی است و دولت باید سیاست‌گذار باشد.» به گفته او؛ «باید یک سیاست روشن اعلام کنیم که از فردا کشنده‌ها به بخش خصوصی واگذار می‌شود و اجازه می‌دهیم بخش خصوصی قطار کامل راه‌اندازی کند. اگر چنین شود، در کمتر از یک سال به‌شهادت فعالان بخش خصوصی، بنادر خشک کشور توسعه می‌یابد. این مثال را زدم نه برای حل یک موضوع خاص، بلکه برای اینکه بگویم جوهره حکمرانی، تغییر سیاست‌هاست، نه بازی در میدان، میدان متعلق به مردم و بخش خصوصی است؛ و دولت باید میدان‌دار سیاست باشد، نه بازیگر آن.»



ژانویه در آمریکا باشد. رسانه‌های عبری اعلام کردند که نتانیاهو علاوه بر دیدارهای برنامه‌ریزی شده‌اش با جی دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، مارکو روبریو، وزیر خارجه و پیت هاگست، وزیر جنگ این کشور، حداقل دوبار با ترامپ دیدار خواهد کرد. براساس گزارش ریدیموت آحارونوت، موضوع خلع سلاح در نه‌بایط طی دیدار ترامپ و نتانیاهو تعیین تکلیف خواهدشد. نتانیاهوروز یکشنبه در اظهاراتی، حساس را تهدید کرد و گفت: «خلع سلاح حساس و غزه از راه آسان یا سخت انجام خواهد شد.» موضوع دیگر هم ترکیب نیروهای بین المللی است که باید در غزه مستقر شوند و اختلافاتی دربارۀ ترکیب کشورهای شرکت کننده در آن‌ها وجود دارد. در همین شرایط پیچیده، چند موضع متفاوت راجع به موضوع خلع سلاح و استقرار نیروهای بین المللی در غزه، از سوی کادر رهبری، یک چهره شناخته‌شده و همچنین سخنگوی حماس مطرح شده است. موضعی که دقیق مشخص نمی‌کند حماس چه تصمیمی دربارۀ موضوع سلاح خود گرفته است.

▼ مذاکره محرمانه در نیویورک

موضوع مذاکره سه‌جانبه میان قطر، اسرائیل و آمریکا که آکسیوس آن را به‌نقل از دو مقام آگاه افشا کرد هم از چندجهت حائزاهمیت است. باتوجه به چیش نیروهای سیاسی و کشورها در منازعۀ اخیر فلسطین، نمایندگان سه‌طرف این درگیری، روز یکشنبه در نیویورک با یکدیگر ملاقاتی محرمانه داشتند. استیو ویتکاف، فرستاده ترامپ در خاورمیانه، دیوید بارزیا، رئیس موساد و یک مقام ارشد قطری که نام‌اش منتشر نشده، سه‌طرف این مذاکرات بودند. دراین میان قطر همان طرفی است که بر حماس نفوذ دارد و درعین حال متحد آمریکا در خاورمیانه است که همین دو موضوع، قدرت مانور قابل توجهی به دوحه می‌دهد. به‌موازات موضوع منازعۀ فلسطین و تلاش ترامپ و طرف‌های منطقه‌ای یکی از نقاط فشار بر این درگیری، رئیس جمهور آمریکا موضوع پیمان ابراهیم را هم پیگیری می‌کند. موضوعی که در اسرائیل هم اهمیت دارد و یک‌طرف آن کشورهای عربی هستند. درحالی که ترامپ دنبال پیوستن عربستان و قطر به پیمان ابراهیم و برقراری روابط میان لئال آویو، دوحه و ریاض است، اسرائیل با حمله‌ای که ۱۸ شهریورماه (۹ سپتامبر) به دوحه انجام داد تا رهبران بلندپایه حماس را ترور کند، وضعیت را از قبل هم پیچیده‌تر کرد. موضوعی که در نه‌بایط به‌عنوان یکی از نقاط فشار بر اسرائیل، برای پایان دادن به جنگ هم استفاده شد. قطر و اسرائیل به‌عنوان دو متحد آمریکا، دوطرف این بحران قرار گرفتند، آکسیوس دربارۀ تشکیل این نشست نوشت که آمریکا برای بیرون رفتن از بحرانی که پس از حمله اسرائیل به دوحه ایجاد شد، پیشنهاد تشکیل یک سازوکار سه‌جانبه «بهبود هماهنگی‌ها، تقویت روابط، حل اختلافات دو جانبه و کمک به تلاش‌های جمعی برای جلوگیری از تهدیدها» را ارائه داد و آنچه یکشنبه برگزار شد، اولین جلسه این ابتکار بود. آکسیوس نوشت: «بدون شک بخشی از نشست سه‌جانبه بر اجرای توافق صلح غزه، به‌ویژه خلع سلاح حماس و دیگر مسائل حساس در انتقال به مرحله بعدی توافق، متمرکز خواهد بود.»

جنگ سایه‌ها

درباره حضور محمد جواد ظریف در فروم دوحه



رضا رئیسی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

در جنگ‌های مدرن وورباورویی سخت‌نظامی، نقش و کارکردنیروی انسانی و فرماندهان نظامی به‌واسطه پیشرفت‌های تکنولوژیک و به‌کارگیری ادوات و لجستیک در نرم‌افزار پیشرفته، نسبت به گذشته و جنگ‌های کلاسیک تقلیل محسوسی یافته است؛ اما هنوز که هنوز است، در ساحت مبادلات دیپلماتیک و مراودات سیاسی و میدان‌داری دیپلماتیک و صحنه‌آرایی در عرصه‌های غامض و پیچیده و چندلایه، کارکردنخبگان و کارآزمودگان و تجربه‌اندوختگان، بی‌بديل و غیرقابل چشم‌پوشی است. این، همان پدیده‌ای است که از آن با عنوان «سرمایه‌انسانی» یاد می‌شود. محمدجواد ظریف یکی از این سرمایه‌هاست. او که شش سال پیش در مقام وزیر امورخارجه ایران در «فروم دوحه» شرکت کرده بود و در سخنرانی ۲۴آذرماه آن سال از «طرح صلح هرمز» برای مدعوین گفته بود، این روزها یک بار دیگر در فروم دوحه در کانون توجهات قرار دارد و اظهاراتش مورد توجه رسانه‌های جهانی و منطقه‌ای قرار گرفته است. ظریف، هیچ عنوان رسمی را یدک نمی‌کشد؛ اما اظهاراتش در جلسه پرسش و پاسخ و نیز در پنل «ایران و فضای امنیتی در حال تغییر منطقه» نه‌تنها بازتاب‌های گسترده رسانه‌ای در سطح بین‌المللی داشت، بلکه در این بزنگاه حساس و تعیین‌کننده که رقبای منازعان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای درصدد به انزوا کشاندن دوجندان ایران در تکوین پروژه ایران‌هراسی هستند، صدای حقانیت و مظلومیت ایران را در جهان دیپلماسی طنین‌انداز می‌کند و به سیاستمداران موافق و مخالف این نکته را گوش‌زد می‌کند که ایران با همه تلاطم‌ها و مضایق و فشارها، نه تسلیم‌شدنی است و نه قابل حذف و کنار گذاشته شدن از معادلات ژئوپلیتیکی منطقه. این سخنان از زبان ظریف، تأثیر و بازتاب‌های دوجندانی دارد. از یک طرف، او دیپلماتی شناخته‌شده در سطح بین‌المللی است و در کارنامه خود حصول توافق «برجام» را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای کارکرد دیپلماسی در سطح جهانی دارد. از طرف دیگر، او به‌عنوان یک چهره معتدل و حامی دولت مستقر در ایران برای طرف‌های خارجی می‌تواند نقش سخنگوی غیررسمی را داشته باشد. از این منظر، دفاع تمام‌عیار و همه‌جانبه ظریف از قدرت دفاعی و کارکرد بازدارندگی تسلیحاتی ایران و نیز وحدت و یکپارچگی ایرانیان در مواجهه با جنگ‌افروزان، پیام اتحاد و اجماع همه طرف‌های داخلی در برابر تهدیدات بیرونی را به طرف‌های مقابل مخابره می‌کند، در تصاعد خصومت، کینه‌توزی و تمامیت‌خواهی دولت ترامپ در مواجهه با ایران کسی شک و شبهه‌ای ندارد. آنان با همه ظریفیت‌های ممکن خود درصدد تسویه‌حساب دیرین با ایران هستند و به‌زعم خود با بروز برخی اتفاقات در ژئوپلیتیک منطقه و انباشت فشارها، گمان دارند که اکنون فرصت بهینه‌ای برای ضربه و آسیب به ایران و مهار آن فراهم آمده است، درست اینجاست که طرف ایرانی هم باید از همه ظریفیت‌های ممکن خود برای ابطال این نقشه و ناکامی دشمن برافروخته‌شده، بهره بگیرد. به دلایل مختلف که از حوصله این مقال خارج است، دستگاه دیپلماسی با محدودیت‌ها و مشکلاتی در این مسیر مواجه است که در قالب دیپلماسی عمومی و بهره‌گیری از پتانسیل‌های آن چنین مفروضاتی حاکم نیست و می‌توان و باید از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی و نقش آفرینی بازیگران غیررسمی در آن نهایت بهره و استفاده را برد. به‌عنوان مثال، اگر سیدعباس عراقچی در فروم دوحه حضور می‌یافت، به واسطه ملاحظات دیپلماتیک نمی‌توانست با فراغ‌بال پاسخگوی سوالات باشد یا پیشنهادها و مواضع خود را به‌عنوان یک دیپلمات طرح و ارائه کند. درحالی که ظریف بدون این قواعد دست‌وپاگیر حرف خود را مطرح و ایده‌هایش را ارائه می‌کند. همانگونه که در جنگ نظامی و کلاسیک نیروی سکه خط مقدم نبرد است و روی دیگر آن پشت جبهه و عقبه حمایتی آن است؛ در کارزار دیپلماتیک نیز فارغ از جلسات رسمی، مذاکرات ملموس اعم از پشت درهای بسته یا در منظر رسانه‌های جمعی، به‌خصوص در سال‌های اخیر نقش دیپلماسی عمومی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن در پیشبرد صحنه معادلات بسیار بارز و تأثیرگذار شده است اکنون بایست در این بزنگاه و تنگنای موجود از همه پتانسیل‌های ممکن در مسیر تأمین منافع ملی بهره جست. در واقع، آن طیف و طرفی که از فرصت‌ها بهره حداکثری ببرد و از همه ظرفیت‌های بالقوه خود بهره جوید، در این کارزار پید او پنهان اما تمام‌عیار وسخت و صعب، می‌تواند پیروز میدان «جنگ سایه‌ها» باشد؛ جنگی که یک روی آن و نوک قله کوه‌یخ آن چه در ابعاد نظامی و سخت‌افزاری تا دیپلماتیک و نرم‌افزاری مشهود و عیان است و رقابت و زورآزمایی اصلی در خفا و پشت پرده با قوت و شدت در جریان است و نقش تعیین‌کننده و اصلی را نیز بر دوش می‌کشد.

محمد رضا ثقفی



عکس نوشت

آقا دوربینی‌های شهر دار

درباره عکسی از یک بیلورد شهری

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

این‌روزها کار شهرداران مناطق تهران دارد به جاهای باریک کشیده می‌شود. هرروز و هرروز در شبکه‌های اجتماعی شهرداری می‌بینیم که به‌شکل جهادی به کف منطقه تحت حفاظت و نظارت‌اش می‌رود و مو از ماست زیر دستانش می‌کشد. در فیلم‌های منتشرشده ما با مدیران

شهری روبه‌رو هستیم که کم‌مانده با یک‌دست چمن بکارند و با دست‌دیگر کوچه‌ها را آسفالت کنند. ناگفته نماند که حین بازدید چهارنفر را تشویق می‌کنند. پای حرف بزرگان محل می‌نشینند و در همین هاگیرو و واگیر ۱۰ بیمناسکار را زیر پر خیه می‌برند. خلاصه آنکه- ته ویدئو شهردار مردمی و خسته‌نشو، له و لورده به مقرر فرماندهی که همان شهرداری ناحیه باشد برمی‌گردد... همه این‌ها به کنار، شخص شهردار تهران، یک‌روز کمر ترافیک را می‌شکند، یک‌روز پنج‌هزار اتوبوس به ناوگان اضافه می‌کند. یک‌روز مشکل آب تهران را حل می‌کند و... خلاصه آنکه چنان خودش را سرشلوغ و همه‌چی بلد می‌داند که بیا و ببین. مشکل اما اینجاست که ما هم اهل همین شهریم و هرروز و هرروز معضلات و مشکلات را کف خیابان و در کوچه‌پس کوچه‌های شهر با پوست و استخوان‌مان لمس می‌کنیم. به عکس نگاه کنید، این تصویر بیلوردی است که روابط عمومی شهرداری منطقه یک، کنار یکی از مهم‌ترین اتوبون‌های شهر نصب کرده است. این بیلبرد و نوشته‌های رویش، حقیقت و واقعیت شهرداری‌هایی است که در مقام حرف یک‌شبه بر همه مشکلات فائق می‌آیند. این بیلبرد نماد مدیرانی است که از مدیریت فقط جلوی دوربین رفتن و حرف‌های بی‌اساس‌زدن را یاد گرفته‌اند. روی این بیلبرد نوشته شده: «شهروند گرامی، این پروژه که در حقیقت بازسازی سرویس بهداشتی بوستان امام علی (ع) است، پس از یک‌سال و با مشارکت شهروندان به سرانجام رسیده است.» دقت کنید! شهرداری ناحیه‌یک منطقه‌یک شهرداری تهران، آنقدر دست‌اش خالی است که بابت بازسازی سرویس بهداشتی یک بوستان - که آن‌هم با مشارکت اهالی به سرانجام رسیده - عمل شاق‌اش را روی یکی از بیلبردهای شهری، به اطلاع عموم رسانده است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

◀ عکس: زهرا اربابی

سمفونی خطوط